

## حل مسائل اخلاقی با ابلیم و عسل

متأسفانه یکی دیگر از مسائل مبتلابه (از بچگی دوست داشتم این اصطلاح رادر یک نوشته به کار ببرم) محصولات شبکه نمایش خانگی، مسائل اخلاقی است. حیف ممکن است بچه اینجا را بخواند و نمی شود مثال واضح زد، ولی سر بسته بگوئیم، مثلاً مردی چیز می کند، یا زنی فلان، یا کلاً از این حرف ها. متأسفانه تر خیانت و روابط خارج از چارچوب و انتگرالی و مشتقی هم حرف اول بعضی از این سریال ها را می زند. البته گاهی هم حرف دوم را می زند. چون حرف اول را بیشتر وقت ها پول می زند. به هر حال برای ممیزی این صحنه ها و داستان ها در سریال ها، راهکار مختصر و مفید داریم که امیدواریم به کار فیلم سازان بیاید. (البته امیدوار نیستیم، آن ها مجبور هستند که این موارد ممیزی ما را در ساخته هایشان اصلاح کنند.) مثلاً اگر مردی می خواهد به زنش خیانت کند، درست هنگام خیانت به خودش بیاید و پشیمان شود و پیتزا بخرد و به کانون گرم خانواده اش بازگردد. حالا ممکن است زنش خوش خلق نباشد یا مرد خیلی عوضی باشد. در این موارد می توان از پیتزا با سیب زمینی سرخ کرده استفاده کرد. یا مردی یک چیزهایی می نوشد که از خود بی خود می شود. حالا درست است که نویسنده منظورش این بوده است که آن چیزها را می خورد تا غم هایش را فراموش کند، ولی راه های بهتری برای فراموش کردن درد و غصه هست. مثلاً شربت ابلیم و عسل بخورد، یا دم کرده گل گاوزبان، یا اصلاً دمنوش زعفران که هم ایرانی است و هم ارزآوری دارد. یا حتی مردی دستش هرز است و هی این طرف و آن طرف می خورد. خب این هم صحیح نیست. مرد باید مراقب دستش باشد. برای حل این موضوع هم می توان یک راکت به دست مرد داد تا با هر تکانش، یک ضربه به توپ بزند. به هر حال هر مسئله منکراتی یک راه حل مقبول دارد.

## ترساندن بپوشک و صاحب خانه

دست کمی از آل و دیو و جن ندارند، ولی به هر حال خارجی نیستند. بعد هم وقتی شب می شود، این دو زنده شوند و با هم گل بگویند و گل بشنوند، البته با رعایت مسائل اخلاقی. اصلاً این هازن و شوهر هستند مثلاً. می توانند بعد از مدتی هم بچه دار شوند که به طور غیرمستقیم جنبه آموزشی هم داشته باشد. بعد اگر دیگر خیلی بخواهند فیلم و سریال تأثیرگذار شود، به جای آدم کشی و این چیزها، بنشینند با هم در دلد کنند و از غم و غصه هایشان بگویند؛ از گرانی دلار، پیدانشدن پوشک برای بچه عروسک هایشان، جواب کردن صاحب خانه و.... قول می دهیم که از سریال ترسناک بیشتر جگر بسوزاند.

شماره پیامک روزنامه برای ارتباط با پلخمون موجود است. هر کارگردانی که می خواهد سریال جدید بسازد، قبلش یک تماس بگیرد تا با کمترین هزینه فیلم نامه اش را ممیزی کنیم.

این چه مسخره بازی است که برای تبلیغ سریال، ویدئو ترسناک درست می کنند؟ مثل آن سریالی که آن بازیگر از آن عروسک می ترسید. واقعاً این ها با خودشان فکر نمی کنند که اگر بچه آن سریال را ببیند، ناخودآگاه دچار خود خیزی می شود؟ اصلاً بچه هیچی. ما خودمان هم با دیدنش دچار شب بیداری شدیم. برای همین توصیه می کنیم که برای ممیزی صحنه های ترسناک، از سناریوهای تأثیرگذار استفاده شود. مثال می زنیم که خوب جا بیفتد. داستان از این قرار است که یک عروسک طلسم شده به هر خانه ای که وارد می شود، نصف شب زنده می شود و راه می افتد اعضای خانواده را به شنیع ترین شکل ممکن می کشد، ولی ما برای اینکه بدآموزی نداشته باشد، توصیه می کنیم که از عروسک های بومی و ملی خودمان مثل مثل سارا و دارا استفاده شود. هر چند آن ها هم از نظر قیافه



کارگردان: سید ساجدی

صفحه ۵  
۶ بهمن ۱۴۰۳  
شماره ۱۲۷



۲۲ درصد تخفیف روی ساندویچ زبان بگیرد و خواست ما را بزند. آن موقع بود که مدیر تبلیغات مثل بتمن وارد شد و حق ما را گرفت. یعنی ما را زد زیر بغلش و تا خود خانه دوید. ما دویدنمان خیلی خوب نیست. برای همین باید سلطان تبلیغات بشویم و برای همه چیز ابزار نگرانی کنیم. این بود انشای من.

پسر خاله مان مدیر تبلیغات بشویم. مدیر تبلیغات حق آن هایی را که تبلیغاتچی ساده هستند، می گیرد. مثلاً هفته پیش که ما داشتیم روی دیوار یک خانه تبلیغات کله پزی عباس آقا را می چسباندیم، آقای صاحب خانه آمد و ما را دعوا کرد، اما ما تهدید را به فرصت تبدیل کردیم و یک تبلیغ هم روی صورتش چسباندیم. آقای صاحب خانه عصبانی شد. شاید چون ندید که با ارائه آن تبلیغ می تواند